

رابطه شیوه زندگی و بروز رفتار مجرمانه (زندان تبریز)

نصراله پورافکاری^۱، معصومه حیدرزاده^۲، کیانوش قلی پور^۳

چکیده

پژوهش مورد نظر بر اساس ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی مبنی بر رابطه شیوه زندگی و بروز رفتار مجرمانه تدوین گردیده است، هدف کلی طرح بررسی و شناخت شیوه زندگی در بروز رفتار مجرمانه است، بعد از مطالعه مقدماتی برای تبیین مفهوم جرم دیدگاه‌های مرتون، ساترلند، تارد، بوم شناختی،... و برای تبیین شیوه زندگی تئوری بوردیو مورد استفاده قرار گرفته است. روش پژوهش پیمایشی و اساس نمونه گیری در مرحله اول طبقه ای و در مرحله دوم تصادفی سیستماتیک می‌باشد در مرحله اول ۲۷۳ پرسشنامه بین افراد مجرم در زندان توزیع گردیده و ۵ فرضیه اول آزمون شده است، سپس در مرحله دوم ۱۰۰ پرسشنامه از افراد مجرم انتخاب و ۱۰۰ پرسشنامه نیز به افراد عادی خارج از زندان داده شده است و ۵ فرضیه دوم آزمون شده است. آزمون بین سبک زندگی دینی، معاشرتی، مسکونی، روانی، تفریحی و رفتار مجرمانه بین مجرمان زندانی معنی دار و مثبت است. اما آزمون بین گروه مجرم و افراد عادی

n. pourafkari@gmail.com

۱- دانشیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

۲- کارشناس ارشد جامعه شناسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

۳- کارشناس ارشد جامعه شناسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

جامعه نشان می‌دهد تنها دو سبک تفریحی و معاشرتی عامل موثری بر بروز رفتار مجرمانه در جامعه آماری است.

واژه‌های کلیدی: جرم، اوقات فراغت^۱، شیوه یا سبک زندگی^۲، مجرم^۳، زندان

مقدمه

جرم و بزهکاری پدیده‌ای است عام که در تمامی جوامع وجود داشته و مقابله با آن همواره از وظایف و مسئولیت‌های کسانی است که رهبری و اداره جامعه را برعهده دارند. لزوم حفظ نظم و انسجام اجتماعی و برقراری امنیت موجب می‌شود، رویارویی با بزهکاری و جرم به عنوان کنشهای نابهنجار و مختل کننده مورد توجه قرار گیرد و بشر نیز همواره برای حفظ و بقای خود در تلاش برای نهادینه کردن «کنترل اجتماعی» و مقابله با آن باشد.

صرف نظر از اینکه تعریف جرم به شدت تحت تاثیر مشخصه‌های مکانی و زمانی، زمینه‌های فرهنگی، مناسبات اجتماعی، ساختار اقتصادی، ملاحظات سیاسی و الزامات ایدئولوژیک می‌باشد، نحوه برخورد با آن نیز به عوامل فوق بستگی دارد. برای مثال در برخی کشورها «معتاد» را مجرم شناخته و مستوجب پیگرد قانونی و کیفر می‌دانند و یا معتاد فردی بیمار تلقی می‌گردد و حکومت ملزم به درمان وی می‌باشد و در برخی دیگر از معتاد به عنوان قربانی نارسایی‌ها و کمبودهای جامعه و دستهای آلوده و پلید تبهکاران یاد می‌شود، و به این ترتیب افراد جامعه و حکومت موظف به نجات وی هستند.

متأسفانه در مقابله با پدیده بزهکاری و جرم، در کشورها کمتر به جنبه‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن توجه شده است و برداشتی صرف انتظامی و قضایی موجب شده است تا مجازات مجرم در اولویت قرار گیرد و پیگرد و دستگیری وی اهمیت بیشتری داشته باشد. این در حالی است که امروزه در کنار این اقدامات به منظور پیشگیری از وقوع

1 - leisure
2 - life style
3 - offender

جرم، بررسی و شناخت شیوه‌های مختلف زندگی که پدیده جرم در آنها بیشتر رخ می‌دهد، می‌تواند تاثیر بسزایی در کاهش بروز رفتار مجرمانه داشته باشد.

طرح مسأله و ضرورت تحقیق

از یک دید کلی جرم شامل رفتاری است مخالف نظم اجتماعی که مرتکب آن را در معرض مجازات یا اقدامات تأمینی (تربیتی، مراقبتی، درمانی) قرار می‌دهد. (گلدوزیان، ۱۳۶۹:۱۴۳)

به عبارت دیگر به هر عمل یا ترک عملی که در قانون پیش بینی شده و برای آن ضمانت اجرایی، کیفری و مجازات در نظر گرفته شده جرم اطلاق می‌شود، رفتار مجرمانه فعل یا کنشی است که افراد در زندگی روزمره و در شیوه زندگی شان در نقض هنجارهای قانونی و اجتماعی انجام می‌دهند و در آن صورت خود را در مواجهه با الزامات قانونی می‌یابند. در دنیای امروز جرم مسأله‌ای اجتماعی تلقی می‌شود، نه مشکل اخلاقی مربوط به افراد. سازمانهای تخصصی جهان و پژوهشگران رشته‌های مختلفی مانند جرم شناسی، جامعه شناسی، حقوق، روانشناسی و حتی اقتصاد آن را مورد کاوش علمی قرار می‌دهند و کوشش‌های زیادی را در سطح خرد و کلان برای شناخت انگیزه‌های رفتار مجرمانه و عوامل متنوع موثر بر آن انجام می‌دهند. افزایش جمعیت و توزیع نامتعادل آن در مناطق شهری بویژه شهرهای بزرگ، افزایش بیکاری، بحران‌های اقتصادی، مهاجرت، تغییرات سریع فرهنگی و اقتصادی سبب تحولها و مشکلات عظیمی در سطح جامعه شده است، افراد با توجه به این مشکلات و با اهمیت به ساختارهای حاکم، شیوه زندگی مناسب را بر می‌گزینند و در رویارویی با این مصائب در صدد یافتن چاره‌ای بهتر برای حل آن بر می‌آیند. غالباً افرادی که مرتکب رفتار مجرمانه می‌شوند دارای یک یا چند شیوه زندگی محوری در دوران حیات خود می‌باشند، برخی سبکی عقل‌گرا، برخی دیگر سبکی مذهبی، سبکی منفعل یا سبکی فعال در زندگی خویش برای برخورد با انواع مشکلات دارند. در مورد این که رفتار مجرمانه و کجروی چیست

و چگونه باید آن را تعریف کرد گفتگوهای فراوانی صورت گرفته و تعاریف متعددی از آن ارائه شده است مانند: رفتار منع شده یا مشمول اهرم‌های کنترل اجتماعی، رفتار شکننده هنجار یا رفتاری که قواعد، برداشت‌ها یا توقعات هنجاری نظام‌های اجتماعی را نقض می‌کند؛ رفتار ناهمنا با هنجارهای اجتماعی؛ رفتار ناسازگار و غیر منطبق با انتظارات جامعه یا یکی از گروه‌های مشخص درون آن؛ دروی جستن و فرار از هنجار با رعایت نکردن آنها؛ منطبق نبودن با ارزش‌ها، الگوها و هنجارهای موجود جامعه، مخالفت با روش مرسوم در جامعه. این تفاوتها خود نشان دهنده مشکلاتی است که در مسیر شناخت انحراف قرار دارد، شاید علت اساسی این اختلاف در تعاریف و تعابیر از رفتار مجرمانه این است که انحراف و کجروی مفهومی سیال و فرهنگی است و هیچگاه از معنایی ثابت و پایدار برخوردار نبوده است و این حقیقت در عصر حاضر، با تغییرات گسترده و عمیقی که در قلمروهای اقتصادی، اجتماعی جوامع صورت می‌گیرد بیشتر نمایان می‌شود. رفتار کجروانه از زمانی به زمان دیگر و از مکانی به مکان دیگر تغییر یافته، گاه رفتاری در یک زمان کجروانه است و در زمان دیگر همان رفتار، بهنجار و همنا است.

در این تحقیق واژه‌های بزه، کجروی و انحراف در یک دید کلی تخیلی از چهار چوبهای قانونی و هنجارهای جامعه شناخته شده و در جریان تدوین لغت محوری جرم و رفتار مجرمانه برای حالت‌های مختلف تخیلی از هنجارهای اجتماعی، قانونی، مذهبی در نظر گرفته شده است و مجموعه منظمی از رفتارها و الگوهای کنش که فرد را در شیوه زندگی کردن به بروز رفتار مجرمانه هدایت می‌کند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهداف تحقیق

هدف عمده از اجرای این پژوهش رابطه شیوه زندگی و بروز رفتار مجرمانه همراه با یافتن سبک‌های زندگی موثر در بروز چنین رفتارهای است تا با راهکارهای عملی بتوان در کاهش آن قدمی برداشت.

پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع و فرضیات پژوهش تحقیقات متنوعی صورت گرفته است در تحقیقی با عنوان سبک زندگی و هویت اجتماعی مصرف و انتخاب‌های ذوقی به عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوران مدرنیته اخیر (چاوشیان، ۱۳۸۲) پژوهشگر این سؤال را مطرح نموده است که آیا سبک زندگی به عنوان شکل جدیدی از گروه‌بندی‌های اجتماعی می‌تواند خطوط تشابه و تمایز اجتماعی یا هویت اجتماعی را ترسیم کند؟ آیا سبک‌های زندگی به عنوان الگوی کنش و گروه‌بندی اجتماعی قابل تشخیص‌اند؟ گروه‌بندی مبتنی بر سبک‌های زندگی چه نسبتی به گروه‌بندی‌های ساختار و بخصوص طبقات دارد؟ آیا خطوط تمایز طبقاتی تفاوت و تشابه‌های سبک زندگی را تعیین می‌کند؟

وی دو برداشت از سبک زندگی را برمی‌شمارد: یکی برداشتهایی که سبک زندگی را معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و به عنوان شاخصی برای تعیین طبقه می‌دانسته و دیگری شکل اجتماعی مدرنی که تنها در متن تغییرات فرهنگی دوران مدرن معنی می‌یابد. این معنی سبک زندگی راهی برای تعریف ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار یا هویت افراد است که اهمیت این برای تحلیل‌های اجتماعی روز به روز افزایش می‌یابد از قلم وی چنین برداشت می‌شود که سبک زندگی نشان می‌دهد گروه‌بندی‌های اجتماعی ابعاد و مقیاس‌های بسیار کوچک‌تر و متکثرتر از طبقه یا قشر اجتماعی یافته است.

در موضوعی با عنوان بررسی توزیع انواع اختلالات شخصیتی در زندانیان مرتبط با مواد مخدر در زندان مرکزی کرمانشاه (رشیدی، ۱۳۸۷) محقق بیان نموده که بین وضعیت مسکن، تعداد افراد خانواده و گرایش به قاچاق مواد مخدر یک رابطه منطقی وجود دارد، بطوری که بالاترین آمار (۴۶/۲۸ درصد) مربوط به افرادی بوده که در منازل اجاره ای بسر می‌برده‌اند از دلایل آن می‌توان به تغییر مکان‌های مکرر به منظور شناخته نشدن در جامعه، عدم سرمایه گذاری در اینگونه امور و بالاخره مشکلات مالی توان خرید مسکن نام برد. این پژوهش نشان داده که یک ارتباط منطقی بین وجود اختلالات شخصیتی و گرایش به قاچاق مواد مخدر

وجود دارد از ۴۵۸ نفر ۳۹۰ نفر (۸۵/۱۵ درصد) اختلال شخصیتی داشتند بطوری که بالاترین آمار در مردان تحت بررسی مربوط به اختلال شخصیتی ضد اجتماعی (۴۱/۴۰ درصد) و بالاترین آمار در زنان مربوط به اختلال شخصیتی نمایشی (۵۳/۳۳ درصد) است اختلال بیش از همه در نواحی فقیرنشین شهری و در بین ساکنان متحرک مناطق و خانواده‌های پر جمعیت شیوع داشته است.

عبدالهی حقی (۱۳۸۳) در موضوعی با عنوان پیشگیری جرم از طریق برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری در شهر زنجان؛ انگیزه، زمان و مکان را سه عامل اصلی بروز جرایم دانسته به نظری تفافوت در ویژگیهای مکانی و زمانی و الگوهای رفتاری توزیع فضائی متفاوت بزهکاری را در سطح شهرها پدید می‌آورد. از آنجا که مجرمین در انتخاب مکان بسیار سنجیده و منطقی عمل می‌کنند مکان‌هایی را جهت اعمال مجرمانه خود بر می‌گزینند که ارتکاب جرم با خطر کمتر و سرعت بیشتر امکان پذیر باشند از این رو ساختار کالبدی شهرها در بروز جرایم تاثیر بسزایی دارد و تغییر در مشخصه‌های مکانی به شکل گیری الگوهای زمانی و مکانی خاص بزهکاری منجر می‌شود. برنامه ریزی شهری به عنوان علم ساماندهی شهرها می‌تواند نقش مهمی در تغییر شرایط فیزیکی و مکانی شهرها جهت کاهش جرایم ایفا نماید برنامه ریزان شهری می‌توانند با شناخت ویژگیها و تسهیلات مکانی جرم در شهرها و با اعمال تغییرات در این محیط و همچنین با برنامه ریزی و طراحی محیطی به منظور حذف تسهیلات محیطی جرم نرخ جرایم را در سطح شهرها به حداقل برسانند.

در طرح پژوهشی با عنوان شناخت وضعیت و مشخصات مجرمین محبوس در زندانهای شهر تهران و تبیین عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم آنان (شریفی قادری، ۱۳۷۴) پژوهشگر در ابتدا جرم را از دیدگاه‌های مختلف تعریف کرده و نظریه‌های جامعه‌شناسانی چون دورکیم، مرتون، کوهن، میلر، ساترلند، پارک، شاو و مکی، لمرت، بکر، اریکسون، گافمن، لوفند، رکلس، هیرشی، کوئینی، ماتزا، کوهن، کلووارد و اهلین را مورد بررسی قرار داده و در مجموع ۶ گروه فرضیه را آزمون کرده و به این نتایج رسیده است: ۱- عوامل اجتماعی، جمعیتی در رفتار

مجرمانه فرد مؤثر هستند. ۲- جامعه پذیری نابهنجار فرد، در رفتار مجرمانه وی مؤثر است. ۳- فاصله بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد با پایگاه اقتصادی - اجتماعی ایده آل فرد، در رفتار مجرمانه وی مؤثر است. ۴- پیوستگی اجتماعی فرد با جامعه، در رفتار مجرمانه وی مؤثر است. ۵- میزان رضایت فرد از زندگی، در رفتار مجرمانه وی مؤثر است. ۶- میزان نظارت و کنترل اجتماعی بر فرد در رفتار مجرمانه وی مؤثر است.

در یکی دیگر از تحقیقاتی که با عنوان سبک زندگی مجرم و غیر مجرم (رحیمی، ۱۳۸۰) انجام شده، سبک زندگی الگوهای روزمره زندگی شامل تغذیه، مصرف داروها، مواد مخدر، ورزش، روابط کاری، خانوادگی، جنسی، سرگرمی، استرس و شیوه مواجهه با آنها دانسته شده است. در این پژوهش نتایج و مقایسه آماری دو گروه نشان داده که افراد مجرم دوران کودکی خود را در یک خانواده پر جمعیت گذرانده و بیشتر مورد آزار جنسی، تنبیه پدر و عدم تامین نیازها واقع شده اند، به تنهایی بازی کرده و در بزرگسالی از رابطه خود با همسر، فرزندان و دوستان رضایت کمتری دارند. سیگار، داروهای آرام بخش، الکل و مواد مخدر استفاده کرده استرس بیشتری دارند و ساعات بیشتری را به خواب شبانه و ساعات کمتری را به مطالعه اختصاص داده، قبل و بعد از ازدواج رابطه جنسی غیر مجاز آنها بیشتر و فیلم‌های مورد علاقه آنها در گروه جنسی دارای فراوانی بالایی است. با توجه به یافته‌های مذکور می‌توان گفت بین سبک زندگی افراد مجرم و غیر مجرم تفاوت معنی داری وجود دارد.

چشم انداز نظری تحقیق

در پژوهش حاضر پس از بررسی تئوری‌ها و نظرات اندیشمندان علوم اجتماعی و نیز روان‌شناسی به دلیل توجه و اشاره به موضوعات مرتبط با پژوهش و اهداف تحقیق، اندیشمندان و دیدگاه‌های ذیل انطباق بیشتری در قیاس با سایر دیدگاه‌های پیش رو داشتند لذا این دیدگاه‌ها و نظرات اندیشمندان غالب نظری و ذهنی حاضر را شکل داده‌اند.

انحرافات اجتماعی یکی از چالش‌های مهم در علم جامعه‌شناسی است این معضل آن قدر ابعاد و جنبه‌های فراوان دارد که نمی‌توان آن را صرفاً یک مسأله اجتماعی دانست. زیرا این مشکل ریشه در حوزه‌های دیگر نیز دارد. بنابراین همانطور که جامعه‌شناسان انحرافات اجتماعی را مطالعه و بررسی می‌کنند، زیست‌شناسان، روانشناسان و... نیز این موضوع را با نگاه ویژه خودشان تحلیل می‌کنند.

۱- برخی از روانکاوان و روان‌شناسان، بین اختلالات شخصیتی و کجروی رابطه برقرار می‌کنند و کجروی را ناشی از نوع شخصیت افراد دانسته و گونه‌هایی از شخصیت روانی (ضد اجتماعی) را دارای گرایش بیش از دیگر شخصیت‌ها به کجروی محسوب می‌دارند، چرا که نوع رفتار هر فرد را ناشی از شخصیت او می‌دانند از این رو، شخصیت افراد را علت بروز انواع رفتارهای آنان می‌دانند. در این زمینه می‌توان به مواردی اشاره کرد که محققان این حوزه آن را به عنوان مهمترین اختلالات شخصیتی منجر به کجروی بر می‌شمارند:

- بی‌قراری: نوعی فقدان قدرت تشخیص خیر از شر است.
- کژخویی: نوعی تمایل غریزی به شرارت، و اعمال ضد اجتماعی.
- پارانوئیا: نوعی بدبینی، خودخواهی و تنفر از اجتماع.
- صرع: نوعی اختلال روانی منجر به حملات عصبی که با ویژگی‌هایی مانند دروغ‌پردازی، روحیه تظاهر و گیجی نیز همراه شمرده شده و احتمال بروز رفتارهای نابهنجاری چون ضرب و جرح و قتل به هنگام حملات عصبی داده می‌شود.

- اختلالات روانی: برخوردار از علائمی مانند وسواس، انزواطلبی، رفتارهای کودکانه، و توهم‌قرارداشتن در معرض حمله و آسیب دیگران، که فرد را مستعد ابراز رفتارهای پرخاشگرانه و حتی ارتکاب جنایت می‌سازد.

(فرجاد، ۱۳۵۹: ۳۶) (کرباسی، ۱۳۸۹: ۱۵۰-۱۳۸)

برخی از روانکاوان نیز به پیروی از فروید، کجروی را ناشی از آن دسته اختلالات روانی می‌دانند که در آن، «خود» و «فراخود» قادر به مهار غرایز ضد اجتماعی «نهاد» نیست. به اعتقاد

فروید، شخصیت افراد از سه بعد مذکور تشکیل شده است که «نهاد» زیربنای شخصیت انسان و روان ناخودآگاه فرد را تشکیل می دهد و پیرو اصل لذت است و عنصری تحول ناپذیر و در نتیجه تربیت نشدنی است و لذا کانون خواهش ها و اعمال غریزی به حساب می آید. «فراخود» یا سطح اعلاى شخصیت که قسمت قضایی و اخلاقی و مهار کننده شخصیت است؛ ارزش های اجتماعی و اخلاقی را که در فرد درونی شده، نگهداری می کند. و سرانجام «خود» نیز جنبه تحول و تربیت پذیر شخصیت است که برقراری رابطه با دنیای واقعی را بر عهده دارد. کارکرد «فراخود» انتقاد از «خود» است و این که هرگاه اسیر «نهاد» شود، آن را توبیخ و مجازات کند بدین ترتیب احساس هایی مانند شرم، نگرانی و گناه در مرتبه «فراخود» تصویر می شود؛ کارکرد مؤثر «من» نیز آن است که محتوای انگیزه های خودخواهانه «نهاد» و همچنین خواسته های متعالی «فراخود» را به گونه ای تغییر شکل دهد که از یک سو مانع خواسته های خودکامانه و غریزی «نهاد» و از دیگر سو نیز مزاحم مسائل عالی اخلاقی «فراخود» نشود و در عین حال با تلفیق و ترکیب این دو گونه خواسته با واقعیات زندگی، تعادلی بین آنها ایجاد کند و بدین گونه سبب شود که فرد با فشارهای زندگی با نرمش و تعادل روبرو گردد. (کی نیا، ۱۳۷۰:۶۱۶)

نقطه ضعف عمده آرا و نظراتی که روان گسیختگی را به عنوان تبیینی برای کجروی مطرح می سازند، آن است که این مفهوم صرفاً درصدی جزئی از کجروان را در برمی گیرد. البته این امر خود می تواند اغوا کننده باشد که بیشتر این قبیل افراد را دارای شخصیت های روان گسیخته به حساب آوریم. (سلیمی، ۱۳۸۰:۳۳۸)

از دیدگاه رابرت کی مرتون فرد در نتیجه اجتماعی شدن (جامعه پذیری)، هدف های مهم فرهنگی و نیز راه های دستیابی به این اهداف را که از نظر فرهنگی مورد قبول باشد فرا می گیرد. هرگاه راه های مقبول دستیابی به این اهداف برای فرد فراهم نباشد وی ناچار می شود راه دیگری را در پیش گیرد، تشویق به ثروتمند شدن به خصوص برای کسانی که دستیابی آنها به ابزارها و شیوه های قانونی ممکن نیست و راه برای آنها مسدود شده ممکن است با محرومیت

نسبی همراه باشد و فرد تحت فشار قرار گیرد و رفتاری از او سرزند که به انحراف اجتماعی منجر گردد، مرتون پنج نوع رفتار انحرافی را که ممکن است در این فرایند پدید آید به شرح زیر بر می‌شمارد:

۱- همنوایی: هنگامی که اهداف و وسایل و راههای دستیابی به آنها از سوی فرد، پذیرفته شده باشد.

۲- نوآوری: معمولاً هنگامی رخ می‌دهد که افراد درصدد رسیدن به اهداف مشروع باشند، ولی راههای استفاده موثر از وسایل پذیرفته شده برایشان مسدود باشد.

۳- مراسم گرایي: هنگامی مطرح می‌شود که اهداف پذیرفته شده، مجال چندانی برای فعالیت پیدا نمی‌کنند، اما وسایل مشروع رسیدن به این هدف‌ها صمیمانه دنبال می‌شود. مراسم گرا از خطرها و ناکامی‌های اجتماعی و رقابت آمیز می‌گریزد، راه‌های سالم کار کردن و شیوه‌های ساده زیستن را دنبال می‌کند. مراسم گرایي تا حدودی جنبه انحرافی دارد، از این رو بر چسب غیرعادی بودن برای آن مناسبتر است.

۴- کناره‌گیری: وقتی فردی به دلیل شرایط محدود و یا عدم شایستگی خود نتواند به اهداف تعیین شده فرهنگی و نیز به وسایل دستیابی به آنها برسد. شخص الکلی که خانواده، شغل، دوستان و فرزندان خود را رها می‌کند و زندگی در تنهایی و انزوا را ترجیح می‌دهد، کسی است که عملاً از جامعه کناره‌گیری کرده و منزوی شده است معمولاً افراد روان پریش، مطرود، خانه بدوش و معتادان، بیماران روانی در این دسته جای می‌گیرند.

۵- طغیان و سرکشی: این رفتار انحرافی وقتی رخ می‌دهد که شخص به این نتیجه برسد که جامعه موانعی را بر وی تحمیل می‌کند که مانع نیل او به اهدافش می‌شود. وی می‌کوشد تا وسایل و اهداف موجود را برای رسیدن به هدف تغییر دهد و اهداف و وسایل جدیدی را در جامعه جایگزین کند. (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۳۰)

مرتون نتیجه می‌گیرد که احساس فشار، سرگشتگی و سرخوردگی فرد ناشی از هیچ کدام از عوامل بالا به تنهایی نیست بلکه از روابط میان این عوامل ناشی می‌شود شرایط حاکم بر فضای

جامعه به گونه‌ای است که افراد را به طرف جرم کشانده و باعث پدید آمدن جرم می‌گردد، به گونه‌ای که با وجود شرایط مذکور فرد توان مقابله با جرم، و خودداری از انجام آن را ندارد این دیدگاه‌ها به منظور تاثیر شیوه زندگی روانی و بروز رفتار مجرمانه مورد استفاده قرار گرفته است.

۲- نظریه پیوند افتراقی ساترلند مشهورترین نظریه از مجموع نظریه‌های جامعه‌پذیری و یادگیری در مبحث کجرفتاری اجتماعی است نکته اصلی تئوری ادوین ساترلند این است که افراد به این علت کجرفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنها بیش از ارتباط‌های غیرانحرافی شان است. ساترلند در این نظریه کوشش می‌کند نشان دهد که جنایت و انحراف از طریق انتقال فرهنگی در گروه‌های اجتماعی واقع می‌گردد. ساترلند و کرسی علل وقوع انحراف و تداوم آن را عوامل زیر می‌دانند:

۱- کجرفتاری آموخته می‌شود، یعنی کجرفتاری یک پدیده ارثی نیست.

۲- کجرفتاری در ضمن کنش متقابل با دیگران یعنی، در جریان برقرار کردن ارتباط آموخته می‌شود.

۳- بخش اصلی یادگیری رفتار کجرو در اثر ارتباط صمیمی در درون گروه انجام می‌گیرد.

۴- فراوانی معاشرت از نظر دفعات وقوع، مدت، ارجحیت و شدت می‌تواند متفاوت باشد. یعنی میزان معاشرت فرد با افراد کجرفتار در مقابل افراد بهنجار مورد نظر است.

۵- زمانی که رفتار کجرو آموخته می‌شود:

الف: این یادگیری شامل تکنیک‌های ارتکاب جرم می‌گردد که در بعضی موارد دشوار و در بعضی موارد آسان هستند.

ب: این یادگیری شامل کسب گرایش‌های خاص، جهت‌ها، انگیزه‌ها و توجیه رفتار می‌گردد.

۶- جریان یادگیری رفتار کجرو از طریق معاشرت شامل تمام مکانیسم‌های یادگیری می‌شود که برای هر رفتار دیگری ضروری است. (ممتاز، ۱۳۸۱: ۹۳-۹۰)

گابریل تارد نیز معتقد است که اعمال و رفتار هر فرد در جامعه یا اجتماع ناشی از تقلید است. افراد با تقلید از عادات دیگران روابط اجتماعی خود را برقرار می‌نمایند. حافظه، هوش، آداب و رسوم در تقلید نقش موثری را ایفا می‌نمایند تحولات اجتماعی از قبیل تحول قدرت‌ها، تحولات مذهبی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی، هنری، زبان و بالاخره شیوه زندگی ناشی از تقلید است و تقلید گاهی منطقی و تابع عقل است و احساسات در آن موثر نیست و گاهی تقلید غیر منطقی و تحت تاثیر خواهش‌های درونی و احساسات صورت می‌گیرد. در هر حال جامعه بدون تقلید قابل تصور نیست و تمامی امور ناشی از تبادل روانی افراد است. (دانش، ۱۳۶۸: ۲۳۵)

(تارد همچنین در کتاب (مطالعات کیفری و اجتماعی) می‌نویسد:

اکثر قاتلان و سارقان افرادی هستند که از دوره طفولیت طرد شده بدون حامی، هادی و خودسر بار آمده اند کوچه برای آنها محل آموزش بزهکاری بوده و با پذیرش عضویت در باند بزهکاران بزه را بعنوان شغل انتخاب نموده‌اند. (همان: ۲۳۱) نظریه یادگیری یا فراوانی معاشرت و دیدگاه تارد به منظور شیوه زندگی معاشرتی (ناباب) و بروز رفتار مجرمان مورد استفاده قرار گرفته است.

۳- در دهه ۱۹۲۰، گروهی از جامعه‌شناسان که مقر آنها در شیکاگو بود و بعدها به اعضای مکتب شیکاگو شهرت یافتند، روش بوم‌شناسی را برای مطالعه زندگی اجتماعی ایجاد کردند. بوم‌شناسی به رابطه بین ارگانیزم‌ها و محیط اشاره می‌کند. اعضای مکتب شیکاگو این مفهوم را درباره رشد شهرهای بزرگ بکار بردند و چنین استدلال کردند که رفتار انسان را می‌توان بر حسب محیط شهری او تبیین کرد. به ویژه آنها بیان نمودند که در اثر توسعه شهرهای بزرگ، محله‌های مشخصی بوجود می‌آید که هر کدام شیوه زندگی خاص خود را دارند.

یکی از پیش فرض‌های مکتب شیکاگو این است که آن دسته از حوزه‌های درونی شهرهای تجاری و صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی‌سازمانی شده‌اند، ارزش‌ها و سنت‌های بزهکارانه و جنایی را توسعه می‌دهند.

بر اساس نظریه برگس در جامعه صنعتی میزان بالایی از جرم و جنایت و رفتار انحرافی در منطقه میانی شهر (منطقه انتقالی) یا محل عبور و مرور، جایی که بیشتر سکونتگاه مهاجران و مردم فقیر بود، وجود داشت. پارک و برگس معتقدند که اقلیت‌های قومی (عمدتاً مهاجران) وقتی که وارد شهر می‌شوند از فرهنگ همگن خود جدا شده و به عنوان یک خرده فرهنگ وارد گروه بندی‌های ساکنین شهری می‌شوند، این فرایند تبدیل گروه‌های اقلیت (عمدتاً مهاجران) به گروه‌های خرده فرهنگی همراه با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین را موجب شده ، و سکونت در زاغه نشین‌های شهری در جوامع صنعتی به خرده فرهنگ بزهکارانه و به طور کلی شیوع جرم و جنایت منتهی می‌شود. (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۹ - ۵۸)

شاو و مک کی^۱ مشاهده کردند که مسائلی مانند فرار از مدرسه، اختلالات روانی، بزهکاری و جرایم بزرگسالان در محله‌هایی صورت می‌گیرد که نزدیک مراکز شهر است. آنها دریافتند که این مسائل بیشتر به خاطر محله‌هاست، تا خود مردمی که در آنجا زندگی می‌کنند.

شاو و مک کی به دنبال این بودند که منابع این بی‌سازمانی اجتماعی را به وسیله شناختن ویژگی‌های این محله‌ها پیدا کنند. آنها نتیجه گرفتند که فقر، تحرک اجتماعی عمودی رو به بالای ساکنان و ناهمگونی قومی به ضعف تعهدات و کنترل اجتماعی منجر می‌شود، و بی‌سازمانی اجتماعی را بوجود می‌آورد، که به نوبه خود به رفتار انحرافی منجر می‌شود. (Hanag, 1994:36)

شرمن، گارتین و برگر اصطلاح « مکان‌های جرم خیز » را مطرح نمودند. محدوده این مکان بخشی از شهر، یک محله کوچک و یا چند خیابان مجاور یکدیگر و حتی ممکن است یک

خانه یا مجتمع مسکونی باشد. تعریفی دیگر این اصطلاح را معادل مکان‌های کوچک با تعداد جرم زیاد قابل پیش بینی، حداقل در یک دوره زمانی یکساله دانسته است. طبق این نظریه برخی محدوده‌ها یا نقاط خاصی از شهر به دلیل وجود برخی عناصر کالبدی، اجتماعی، اقتصادی داری تعداد جرائم زیادی می‌باشند مکانهای شهری (پایانه‌ها و ایستگاه‌های حمل و نقل شهری)، برخی گذرها و حواشی شهر دارای این خصیصه هستند. دیدگاه فوق بر این پایه استوار است که میزان ارتکاب جرم توسط افراد اجاره نشین شهر بیشتر از مالکین واحدهای مسکونی است. به عبارتی تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی بین افراد جامعه و از جمله نوع تصرف مسکن آنها در ارتکاب عمل مجرمانه آنها موثر است. (شکوهی، ۱۳۶۹: ۱۰۲) نظریه بوم شناختی و دیدگاه شاو و مک کی به منظور تاثیر شیوه زندگی مسکونی و بروز رفتار مجرمانه مورد استفاده قرار گرفته است.

۴- پیر بوردیو^۱ یک دید تئوریک جدیدی در مورد اوقات فراغت ارائه داد. او به عادات اشخاص اشاره کرده و این سوال را می‌پرسد که چرا اشخاص عادات خاصی دارند؟ عادات تحت تأثیر موقعیت اجتماعی در اشخاص به وجود می‌آید که آن نیز به شکلی در ساختمان ذهنی افراد درونی شده است. این عادات است که شخص را به سمت زیبایی یا گروهی از فعالیت‌های مرتبط و ذائقه‌ها سوق می‌دهد و به واسطه آنها خود را با موقعیت اجتماعی سازگار می‌کند.

تقسیم بندی انواع سرمایه‌ها در نظر بوردیو جبر علی دارد این سرمایه است که مسیر زندگی افراد را مشخص می‌کند. به نظر بوردیو بر اساس این سرمایه‌ها است که افراد فرهنگ، ذائقه، شیوه زندگی و فعالیت‌های فراغتی خاص خودشان را دارند که آنها را از گروه‌های دیگر متمایز می‌کند. فراغت و فعالیت‌های فراغتی افراد در دیدگاه بوردیو به وسیله موقعیت اجتماعی که افراد دارند تعیین می‌شود. بوردیو تمایزات طبقاتی را عامل موثری در انتخاب فراغت و

فعالیت‌های فراغتی می‌داند. (Lenehan.1994:4) نظریه پیر بوردیو به منظور تاثیر شیوه زندگی تفریحی (اوقات فراغت) در بروز رفتار مجرمانه مورد استفاده قرار گرفته است.

۵- هیرشی یکی از مهمترین پایه گذاران نظریه نظارت اجتماعی است وی موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌نماید و بر این باور است که کجرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند این قیود عبارتند از: ۱) وابستگی؛ ۲) تعهد؛ ۳) درگیری؛ ۴) اعتقاد. بر مبنای این نظریه هر چه افراد کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند پیوند آنها با جامعه بیشتر است و احتمال کجرفتاری بیشتر خواهد بود. محققان دین را به منزله نوعی منبع همبستگی اجتماعی می‌نگرند، نتایج تحقیقات مختلف حکایت از آن دارد که دین و پایبندی به ارزش‌ها به عنوان یک قدرت بازدارنده در روی آوردن جوانان به انحرافات اجتماعی دارای کارکرد مثبت است گلاک و استارک^۱ به وجوه مشترک میان ادیان اشاره نموده و یک مدل چند بعدی از دین ارائه کرده‌اند این مدل توسط سراج زاده پژوهشگر جامعه‌شناسی دینی با اسلام تطبیق داده شده و برای سنجش دینداری حائز اهمیت است.

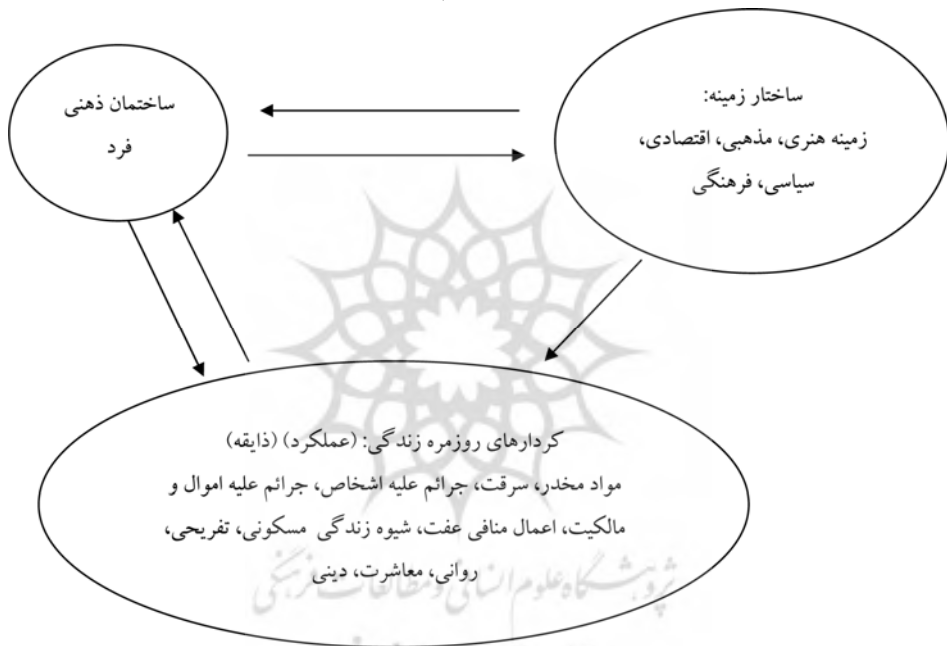
این ابعاد به شرح زیر است:

- ۱- بعد اعتقادی: شامل باورهای دینی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین به آنها اعتقاد داشته باشند این باورها در اسلام اصول و فروع دین خوانده می‌شود.
- ۲- بعد تجربی یا عاطفی: احساسات، تصورات، عواطف مربوط به داشتن رابطه با جوهر ربوبی همچون خدا یا واقعیتی غایی یا اقتداری متعالی است.
- ۳- بعد مناسکی یا اعمال دین: شامل اعمال مشخصی همچون خواندن قرآن، روزه گرفتن، نماز خواندن، شرکت در مراسم جشن و عزا در مساجد و سایر اماکن دینی و...
- ۴- بعد پیامدی یا آثار دینی: به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی در زندگی روزمره پیروان اشاره دارد. (سراج زاده، ۱۳۷۸: ۱۰۶) بدیهی است که دین ارزش‌ها و هنجارهای

خاص خود را بر پیروانش عرضه و نقش کنترلی خود را با تقویت آن ارزش‌ها و هنجارها به شکل موثری ایفا می‌کند. نظریه هیرشی، گلاک و استارک به منظور رابطه شیوه زندگی دینی و بروز رفتار مجرمانه مورد استفاده قرار گرفته است.

مدل نظری

طبق مباحث نظری مدل نظری تحقیق اینگونه ترسیم می‌گردد:



روش تحقیق

به تناسب موضوع تحقیق در پژوهش حاضر روش پیمایشی^۱ با تکنیک عمده جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه به علت قدرت توصیف مناسب ویژگی‌های واحدهای تحلیل و مقایسه دقیق خصوصیات آنها به کمک استنباط‌های علی استفاده شده است. (دواس، ۱۳۷۶: ۱۵)

فرضیات تحقیق

- ۱- بین شیوه زندگی روانی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۲- بین شیوه زندگی معاشرتی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۳- بین شیوه زندگی مسکونی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۴- بین شیوه زندگی تفریحی (اوقات فراغت) و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۵- بین شیوه زندگی دینی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۶- بین شیوه زندگی روانی دو گروه مجرم و عادی تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۷- بین شیوه زندگی معاشرتی دو گروه مجرم و عادی تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۸- بین شیوه زندگی مسکونی دو گروه مجرم و عادی تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۹- بین شیوه زندگی تفریحی دو گروه مجرم و عادی تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۱۰- بین شیوه زندگی دینی دو گروه مجرم و عادی تفاوت معنی داری وجود دارد.

جامعه آماری

این پژوهش از دو جامعه آماری انتخاب شده‌اند، جامعه آماری اول مشتمل بر افراد مجرم مرد محبوس در زندان تبریز بوده‌اند که دوران محکومیت خود در سال انجام تحقیق به دلیل ارتکاب به جرم در زندان تبریز به سر می‌برده‌اند. و طبق تقسیم بندی اداره امور زندانها در پنج گروه جرمی (مواد مخدر، سرقت، جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و مالکیت و اعمال منافعی عفت) قرار گرفته‌اند. جامعه آماری دوم شامل افرادی است که در همان محل یا منطقه افراد مجرم سکونت دارند و سابقه کیفری یا بازداشتی ندارند. (افراد شامل مردان ۵۴ - ۱۸ سال در هر دو جامعه آماری است).

نمونه گیری و حجم نمونه

برای تعیین نمونه آماری زندانیان از فرمول کوکران استفاده شده است. طبق این فرمول برای جامعه ۱۸۵۵ نفری زندانیان ۳۲۰ نمونه انتخاب گردیده و بدلیل ناقص بودن پرسشنامه‌ها نمونه آماری به ۲۷۳ نفر تقلیل یافت. این تعداد در پنج گروه جرمی بر اساس نمونه گیری مطابق انتخاب شدند.

در نمونه گیری دوم جهت آزمون فرضیات در پنج گروه جرمی (مواد مخدر، سرقت، جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و مالکیت و اعمال منافی عفت) بر اساس نمونه گیری مطابق ۱۰۰ نمونه از افراد مجرم و ۱۰۰ نمونه از افراد عادی نیز که در محله مجرمان ساکن، مرد و بین ۱۸ تا ۵۴ سال بوده به صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. متغیرهای جنس، سن و محله در این دو گروه ثابت بوده و نمونه مورد نیاز از افراد عادی با مراجعه به محل سکونت و منازل بر اساس شماره پلاک‌های زوج جمع آوری گردیده است.

۲۷۳ نفر نمونه تعیین شده به این صورت در پنج گروه تقسیم می‌شود:

گروه جرمی	فراوانی	درصد فراوانی
قاچاق مواد	۱۰۲	۳۷/۳۶
سرقت	۷۹	۲۸/۹۳
جرم علیه اشخاص	۵۵	۲۰/۱۴
علیه اموال و مالکیت	۳۰	۱۰/۹۸
اعمال منافی عفت	۷	۲/۵۶
کل	۲۷۳	۱۰۰

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

متغیر مستقل: شیوه زندگی

تعریف نظری و عملیاتی شیوه زندگی:

شیوه زندگی عبارت از طیف رفتاری است که اصلی انسجام بخش بر آن حاکم است، عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است،

الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست و محقق اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه تمایز قائل می‌شود. شیوه‌های زندگی خود را بیش از هر چیز در سلیقه یعنی در برداشت‌ها و ارزیابی‌های زیبا شناختی یعنی در حقیقت در انتخاب‌های فرهنگی بازیگران و گروه‌های اجتماعی نشان می‌دهند که سبب تمایز یافتن آنها از سایر گروه‌ها شده و می‌تواند تشخیص‌پذیر یا اساساً به قصد تشخیص سامان داده شود. (فکوهی، ۱۳۸۲:۳۰۲)

در نهایت این که شیوه زندگی زائیده انتخاب‌های مردم در میان محدودیت‌های ساختاریشان است. با اهمیت به تعریف نظری شیوه زندگی رفتارهایی است که حول اصلی واحد انسجام یافته و زندگی فرد مجرم را تحت تاثیر قرار می‌دهد با مطالعه مقدماتی تعیین گردیده است. (فاضلی، ۱۳۸۲:۱۲)

این اصل‌های محوری عبارتند از سبک‌های سکونتی، تفریحی، روانی، معاشرتی و دینی که هر کدام از سبک‌ها با شیوه‌های رفتاری و طرز تلقی خاصی مشخص می‌شوند. بطوری که این رفتارها متمایز کننده فرد یا گروه مجرم و غیرمجرم، همچنین مشخصه گروه خاصی (مجرم) است و ذاتاً این سبک‌ها اجتماعی‌اند و دارای پیام‌هایی (افزایش جرم در جامعه) برای دیگران هستند.

تعریف نظری و عملیاتی شیوه روانی:

انسجام در انجام دادن مجموعه‌ای از رفتارهای مرتبط با روان که از فرد انتظار می‌رود در سبک زندگی خویش و با توجه به ساختارهای بیرونی انجام داده تا سلامت و آرامش خود را بدست آورد. اگر مجموعه انتخاب‌های وی بنا بر موقعیت زندگی نتواند آرامش روانی را برای او ارمغان آورد به این صورت سبک زندگی روانی فرد آشفته است و زمینه برای احتمال بروز رفتار مجرمانه افزایش می‌یابد. امکان دارد فرد با توجه به هدف یا نیازی که ارزش بالایی دارد، هنگامی که آزادی حرکت محدود است با تعارض روبرو شود و در نتیجه این تعارض ممکن است رفتارهای اجتنابی مختلفی ایجاد شود. شخص ممکن است بکوشد با پناه بردن به عالم خیال پردازی که در آن خطر تنبیه یا شکستی وجود ندارد به هدف خود برسد یا نیاز خود را

برآورده کند. در این پژوهش شاخص‌هایی که برای سبک روانی در نظر گرفته شده است شامل: میزان ساعات خواب در شبانه روز، داشتن رابطه نامشروع، سوءظن شدید، بیماری‌ها، تمایل غریزی به شرارت، وسواس، انزوای طلبی، پرخاشگری، اعمال و شخصیت ضد اجتماعی و نمایشی است.

تعریف نظری و عملیاتی شیوه معاشرتی:

شیوه معاشرتی نحوه، نوع، میزان ارتباط و معاشرت افراد با دیگران را تعیین می‌کند گروه همسالان و مجرمان سابقه دار از گروه‌های مرجع زندانیان می‌باشند آنها با توجه به روحیات خاص دوران دوستی و ارتباط، به نظرات و افکار دوستان خود اهمیت زیادی داده و برای آنکه در جمع دوستان پذیرفته شوند، حتی اعمالی بر خلاف میل باطنی شان انجام می‌دهند که بحث ارتکاب به جرم نیز یکی از این مسایل است. همسالان بوسیله احساس مشترک، وفاداری و «بچه محل بودن» به یکدیگر مربوطند و بر اساس سلسله مراتب به گرد یک دسته ساختار پیدا کرده‌اند و در نحوه معاشرتی یکدیگر موثر هستند. (آبرکرامی، ۲۷۰: ۱۳۷۰)

در این پژوهش شاخص‌های معاشرتی (ناباب) شامل: تعداد دوستان، میزان تماس‌های هفتگی، سابقه دوستی، طول برقراری هر تماس، شدت ارتباط، صفات دوستان و گروه‌های عضو است.

تعریف نظری و عملیات شیوه مسکونی:

محل سکونت به شهر یا منطقه‌ای (محل‌های) که افراد در آن اسکان دارند گفته می‌شود. در این پژوهش بر حسب مقتضیات بافت شهرسازی، فرهنگی و اجتماعی شهر تبریز، از این تعریف فراتر رفته، برای مثال با این که تفکیک مشخصی بین نواحی فقیر و ثروتمند تبریز قابل تشخیص نبوده و یا اینکه به لحاظ جغرافیایی قسمت‌های شمال شرقی، طبقات بالای اجتماعی و همزمان جنوب شرق شهر تبریز نیز محل سکونت طبقات بالای اجتماعی و مهاجران روستایی می‌باشد شهر به مناطق تفکیک شده است. معرف‌های شیوه مسکونی مناطق شهرک نشین، مناطق حاشیه‌نشین، مناطق مرفه‌نشین، مناطق سنتی نشین و حومه نشین، تعداد اعضای خانواده، تعداد اتاق و نوع منزل، زندگی جمعی یا فردی، انجام گرفتن کار خلاف در محله و تشویق به کارهای خلاف توسط همسایگان است.

تعریف نظری و عملیاتی شیوه تفریحی (اوقات فراغت):

اوقات فراغت از رشته فعالیت‌ها، تجربیاتی درست شده که تا اندازه‌های خود شخص تصمیم به انجام یا کسب آنها گرفته و در محدوده وقت آزاد شخص قرار می‌گیرد و از دیدگاه روانی خاطره آن لذت بخش است (هیوود، ۱۳۸۴: ۲۷)

در این پژوهش شاخص‌هایی که برای فراغت و تفریح در نظر گرفته شده شامل سلیقه و علائقی مانند: خیابان گردی، مسافرت رفتن با افراد خانواده یا دوستان، شرکت در بازی‌های کامپیوتری و کلاس‌های هنری، علاقه به مطالعه و فیلم، برنامه‌های علمی، ورزشی، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و آرام‌بخش، شب‌نشینی و پارتی است.

تعریف نظری و عملیاتی شیوه دینی:

تعریف‌های گوناگونی درباره واژه دین وجود دارد. معنای لغوی دین انقیاد، خضوع، پیروی، اطاعت و تسلیم است در معنای اصطلاحی مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقررات برای اداره امور جامعه و پرورش انسانها است. (طهماسبی، ۱۳۸۱: ۷)

در این پژوهش هنجارهایی که گلاک و استارک از دین ارائه کرده‌اند در چهار بعد مورد استفاده قرار گرفته است ابعاد و مولفه‌ها به شرح زیر است:

اعتقادی: احترام به گفتار و کردار ائمه معصومین و قرآن کریم، باور به رسیدگی به اعمال و رفتار ما در روز قیامت، اعتقاد به اصول دین اسلام، خدای یکتا، نبوت، معاد و...

عاطفی: احساس پشیمانی از گناه، ترس از خداوند و عذاب، احساس شوق و شمع در انجام واجبات دینی.

مناسکی: شرکت در مراسم و مجالس مذهبی، نماز خواندن و روزه گرفتن.

پيامدی: رعایت شئون اسلامی در لباس پوشیدن، مخالفت با بدحجابی، مخالفت با نوشیدنی‌های الکلی، موافقت با تماشای فیلم‌های غیر اخلاقی.

۱- متغیر وابسته: رفتار مجرمانه

تعریف نظری و عملیاتی رفتار مجرمانه:

تعریف بسیار گسترده تری برای انحراف قایل شده اند و آن را به عنوان هر گونه عدولی از « حالت معمولی» که اجتماعاً مورد نهی باشد در نظر گرفته اند با این توضیح بسیاری از صور گوناگون رفتار اگر صریحاً غیر قانونی نباشد، باز هم ممکن است از طرف جامعه محکوم شمرده شود یا مورد سوال قرار گیرد اما در حالت کلی نقض چارچوب‌های قانونی جرم و فعل یا کنشی که افراد در زندگی روزمره در نقض هنجارهای قانونی انجام می‌دهند رفتار مجرمانه محسوب می‌گردد. (آبرکرامبی، ۱۳۷۰)

رفتار مجرمانه در این پژوهش با توجه به تنوع زیاد گونه‌های جرم و با در نظر گرفتن سنخیت عناصر متشکله آن (عنصر مادی، معنوی و قانونی) در پنج لایه (طبقه) گنجانده شده است. پنج گروه جرمی عبارتند از:

- ۱- قاچاق مواد مخدر: خرید و فروش، حمل و یا نگهداری مواد مخدر و مشروبات الکلی.
- ۲- سرقت: اقدام به سرقت از منازل، مغازه‌ها یا در سطح شهر، اتومبیل، لوازم اتومبیل، موتورسیکلت، جیب‌بری، کیف‌زنی و مال‌خوری.
- ۳- جرایم علیه اشخاص: جرایمی چون قتل، ایراد ضرب و جرح، فحاشی، مزاحمت، شرارت، آدم‌ربایی
- ۴- جرایم علیه اموال و مالکیت: کلاهبرداری، صدور چک بی‌محل، اختلاس، ارتشاء، اخاذی (زورگیری)، رباخواری، جعل سند و عنوان، خیانت در امانت، ترک نفقه، نپرداختن دیه و مهریه.
- ۵- منافی عفت: جرایمی چون زنا، لواط، فروش نوار، عکس و لوح‌های فشرده مبتذل، همچنین ارتباط نامشروع با جنس مخالف.

یافته های آماری

برای کاربرد هر آزمون باید به مواردی از جمله مقیاس اندازه گیری، مستقل یا وابسته بودن نمونه، تعداد نمونه گیری، پارامتریک یا غیر پارامتریک بودن متغیر توجه داشت.

جدول شماره (۱) آزمون فرضیه اول تا چهارم

فرضیه‌ها	فراوانی	Chi-Square	Cramer's V	Phi	سطح معنی داری
شیوه زندگی روانی و بروز رفتار مجرمانه	273	۳۱/۰۴	/238	/337	/000
شیوه زندگی معاشرتی و بروز رفتار مجرمانه	273	۵۰/۵۹	/304	/430	/000
شیوه زندگی مسکونی و بروز رفتار مجرمانه	273	۲۰/۶۸	/195	/275	/000
شیوه زندگی تفریحی و بروز رفتار مجرمانه	273	۳۷/۵۵	/262	/371	/000

فرضیه اول

بین شیوه زندگی روانی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد. (H_1)
 با توجه به مندرجات جدول شماره (۱) ضریب phi شدت رابطه بین دو متغیر را نشان می دهد و تابع کای اسکوئر است، براساس سطح معنی داری بدست آمده $\text{sig} = 0/000$ که کوچکتر از $0/05$ است فرض H_1 پذیرفته و فرض H_0 رد می شود. یعنی با ۹۹ درصد اطمینان بین شیوه زندگی روانی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم

بین شیوه زندگی معاشرتی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد. (H_1)
 با توجه به مندرجات جدول شماره (۱) سطح معنی داری بدست آمده $\text{sig} = 0/000$ که کوچکتر از سطح آزمون $0/05$ است لذا فرض H_0 رد و فرض H_1 که حاکی از رابطه معنی داری بین شیوه زندگی معاشرتی و بروز رفتار مجرمانه است، پذیرفته می شود. ضریب کرامر برای این فرضیه $304/$ و ضریب phi برابر $430/$ است.

فرضیه سوم

بین شیوه زندگی مسکونی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد. (H_1)

با توجه به مندرجات جدول شماره (۱) مشاهده می شود $\text{sig} = 0/000 < 0/05$ می باشد بنابراین فرض H_1 پذیرفته یعنی بین شیوه زندگی مسکونی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد و فرض H_0 رد می شود. ضریب phi با مقدار $2/275$ شدت رابطه بین دو متغیر را نشان می دهد.

فرضیه چهارم

بین شیوه زندگی تفریحی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد. H_1 با توجه به مندرجات جدول شماره (۱) و سطح معنی داری کمتر از $0/05$ فرض H_1 پذیرفته و فرض H_0 رد می شود یعنی بین شیوه زندگی تفریحی و بروز رفتار مجرمانه در سطح ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره (۲)

Eta Squared	Eta	سطح معنی داری	F	Mean Square	df	مجموع مربعات	شیوه زندگی دینی و بروز رفتار مجرمانه
/۲۰۷	/۴۵۵	/007	۱/۷۷۲	۲/۱۵۸	35	۷۵/۵۱۳	

فرضیه پنجم

بین شیوه زندگی دینی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد. H_1 ضریب Eta بین متغیر فاصله ای شیوه زندگی دینی و متغیر اسمی رفتار مجرمانه $0/455$ است، سطح معنی داری کمتر از $0/05$ است، لذا فرض H_1 پذیرفته و فرض H_0 رد می شود یعنی بین این دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد. Eta^2 نشان می دهد ۲۰ درصد تغییرات بروز رفتار مجرمانه تحت تأثیر شیوه زندگی دینی است.

آزمون های دو گروه مجرم و عادی

صد نفر مجرم از پنج گروه جرمی به صورت نمونه گیری طبقه ای انتخاب و با صد نفر از افراد عادی در سطح شهر که سابقه کیفری نداشته مقایسه شده اند. متغیرهای محله و جنس و سن تا حد امکان بین این دو گروه ثابت بوده است. آزمونهای ویلکاکسون و t برای دو گروه

مجرم و عادی به صورت غیر پارامتریک و پارامتریک گرفته شده است نتایج فرضیات به صورت زیر است:

جدول شماره (۳)

سطح معنی داری دو سویه	Z	مجموع رتبه بندی	میانگین رتبه بندی	فراوانی		
/348	-۰/۹۳۹(a)	۷۷۱/۵۰	۲۷/۵۵	28(a)	رتبه بندی منفی	زندگی روانی عادی و مجرم
		۹۹۸/۵۰	۳۲/۲۱	31(b)	رتبه بندی مثبت	
				41(c)	تساوی	
				100	جمع کل	

آزمون فرضیه ششم

آزمون ویلکاکسون بین شیوه زندگی روانی دو گروه عادی و مجرم گرفته شده است با توجه به سطح معنی داری بالاتر از ۰/۰۵ فرض H_1 رد می شود و فرض H_0 پذیرفته می شود، نتیجه گرفته می شود که شیوه زندگی روانی دو گروه مجرم و عادی با هم برابر است و اختلاف معنی داری با هم ندارند.

جدول شماره (۴)

سطح معنی داری دو سویه	Z	مجموع رتبه بندی	میانگین رتبه بندی	فراوانی		
/ 060	-۱/۸۸۱	۱۴۶۰/۰۰	۳۶/۵۰	40(a)	رتبه بندی منفی	شیوه معاشرتی عادی و مجرم
		۸۸۶/۰۰	۳۱/۶۴	28(b)	رتبه بندی مثبت	
				32(c)	تساوی	
				100	جمع کل	

آزمون فرضیه هفتم

آزمون ویلکاکسون بین شیوه زندگی معاشرتی دو گروه گرفته شده است در این فرضیه سطح معنی داری ارائه شده دو سویه بوده که پس از تقسیم بر دو برابر با ۰/۰۳ می باشد، این مقدار کمتر از ۰/۰۵ بوده، در این حالت فرض یک پژوهشی پذیرفته شده و فرض صفر رد

می‌شود، پس شیوه زندگی معاشرتی در بروز رفتار مجرمانه تاثیر داشته است به نوعی بین شیوه زندگی معاشرتی دو گروه اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

جدول شماره (۵)

سطح معنی داری دو سویه	z	مجموع رتبه بندی	میانگین رتبه بندی	فراوانی		
/ 348	-/۹۳۹(a)	۷۸۳/۰۰	۲۶/۱۰	30(a)	رتبه بندی منفی	شیوه مسکونی عادی و مجرم
		۵۹۵/۰۰	۲۷/۰۵	22(b)	رتبه بندی مثبت	
				48(c)	تساوی	
				100	جمع کل	

آزمون فرضیه هشتم

با توجه به مندرجات جدول شماره (۵) و نتیجه آزمون ویلکاکسون در این فرضیه سطح معنی‌داری ارائه شده دو سویه برابر است با 348 / که بزرگتر از ۰/۰۵ بوده در نتیجه فرض یک پژوهش رد و فرض صفر پذیرفته می‌شود یعنی شیوه زندگی مسکونی دو گروه عادی و مجرم برابر است و اختلاف معنی‌داری بین آنها وجود ندارد.

جدول شماره (۶)

سطح معنی داری	ضریب همبستگی	میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	فراوانی	میانگین	
/905	-/012	/077	/772	100	2/388	یک مجرم
		/075	/755	100	2/167	عادی جفت
سطح معنی داری دو سویه	مقدار t	آماره توزیع اختلاف‌ها بین امتیازات جفت				
		فاصله اطمینان 95 درصد اختلاف‌ها		میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین
		پایین‌ترین	بالاترین			
0/045	2/030	0/436	0/004	0/108	1/087	0/220

آزمون فرضیه نهم

در مورد این فرضیه بررسی می شود آیا اختلاف دو میانگین تفاوت معنی داری با صفر دارد با توجه به سطح معنی داری تقسیم شده که ۰/۰۲۲ و کوچکتر از ۰/۰۵ است، فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلافها نیز بالای صفر بوده و شامل صفر نمی شود لذا فرض یک پذیرفته شده و فرض صفر رد می شود یعنی بین شیوه زندگی تفریحی دو گروه مجرم و غیر مجرم تفاوت معنی داری وجود دارد، اما ضریب همبستگی بین این دو نمونه خیلی کم است. مقدار t برابر با ۲/۰۳۰ و سبک زندگی تفریحی افراد مجرم با میانگین ۲/۳۸ نسبت به افراد غیر مجرم ۲/۱۶ بیشتر جرم زا است.

جدول شماره (۷)

سطح معنی داری	ضریب همبستگی	میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	فراوانی	میانگین		
/۹۶۲	/۰۰۵	/۰۷۴	/۷۴۰	۱۰۰	۲/۲۰۶	مجرم	یک
		/۰۵۱	/۵۱۵	۱۰۰	۲/۱۹۹	عادی	جفت
آماره توزیع اختلافها بین امتیازات جفت							
سطح معنی داری دو سویه	مقدار t	فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلافها		میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	
		پایین ترین	بالا ترین				
/۹۳۳	/۰۸۴	/۱۸۶	-/۱۷۱	/۰۹۰	/۹۰۰	/۰۰۷	

آزمون فرضیه دهم

ضریب همبستگی بین دو نمونه برابر با ۰/۰۰۵ خیلی کم و سطح معنی داری اختلاف آنها نیز $\text{sig} = /۹۶۲$ است، می توان گفت که جدول همبستگی نشان می دهد که بین دو نمونه همبستگی قابل قبولی مشاهده نمی شود در ادامه افراد دو گروه در مجموع دارای اختلاف میانگین ۰/۰۰۷ هستند (اختلاف دو میانگین تفاوت معنی داری با صفر ندارد)، p-values دو دامنه برابر با ۰/۹۳۳ بوده که بیشتر از ۰/۰۵ است لذا آزمون t رابطه این دو نمونه را معنی دار نمی داند بنابراین فرض H_0 پذیرفته می شود، یعنی میانگین شیوه زندگی دینی دو گروه مجرم و غیر مجرم برابر است.

نتیجه گیری

۱- بین شیوه زندگی روانی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد. افرادی که با توجه به ساختارهای حاکم نتوانسته‌اند سلامت و آرامش را در شیوه زندگی خویش بدست آورند، اغلب دارای آشفتگی روانی هستند این افراد دارای مشاجره و ناسازگاری در زندگی و وضعیت خانوادگی نابسامان بوده‌اند آنها وقتی نتوانند به اهداف خود با وسایل قابل قبول در جامعه طبق نظر مرتن برسند دچار آشفتگی روانی می‌شوند. این آشفتگی می‌تواند منبث از سایر عوامل جرم‌زا نیز باشد در گروه‌های جرمی مجرمین مواد مخدر و سارقان دارای بیشترین آشفتگی در شیوه زندگی خود هستند.

۲- بین شیوه زندگی معاشرتی (ناباب) و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد. بطوری که صفات گروه همالان فرد مجرم و میزان تماس‌های فرد مجرم با آنها و الگوپذیری از این دوستان در ارتکاب رفتارهای مجرمانه مؤثر می‌باشد. این نتیجه گیری با نظریه یادگیری اجتماعی جرم همخوانی دارد معاشرت در زندان در هر بند و گروهی ادامه می‌یابد الگوپذیری فرد را غنی‌تر و کامل‌تر می‌نماید به نوعی زندان برای افرادی که شیوه زندگی خود را دوست محور بر می‌گزینند دانشگاهی برای آموزش و یادگیری است. نحوه معاشرت می‌تواند یکی از معرف‌های سبک زندگی تفریحی فرد باشد این معرف در بروز جرم بستگی به شدت، دوام، اولویت و بسامد رابطه با دوستان دارد. فرد مجرم عناصر سبک زندگی خویش را بر اساس صفات دوستان منحرف شکل می‌دهد و رفتار انحرافی را در شکل دهی به سامان کلی زندگیش از فرد مجرم یاد می‌گیرد.

۳- بین شیوه زندگی مسکونی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد. تأیید شدن این فرضیه نشان می‌دهد که بین مناطق حاشیه نشین و سنتی همچنین سایر مولفه‌های مؤثر در شیوه مسکونی اعم از نوع منزل، تعداد اتاق، تعداد اعضای خانواده، انجام کارهای خلاف در محل سکونت، تشویق همسایگان به انجام جرم و... و بروز رفتار مجرمانه رابطه است این نتیجه گیری با نظریه بوم شناختی هماهنگ است زیرا گسترش شهرها و افزایش درصد جمعیت شهرنشین، جدا از نتایج مثبتی که در پی دارد، شرایطی را به وجود می‌آورد تا زندگی شهری

از آن غایت مورد نظر دور شود. افزایش جمعیت و تراکم شهرها، مشکلات مسکن، ترافیک، آلودگی محیطی و گمنامی از جمله این شرایط هستند. این نکته به خوبی اثبات می کند که مراقبتهای عمومی به میزان زیادی موجب کاهش جرم می شود. از طرفی عدم مراقبت و بهم ریختگی محیطی مانند وجود آشغال، خرابه‌ها، انجام برخی رفتارهای بی ادبانه و خشن، ولگردی، آشوبگری، مستی و تکدیگری در مکان‌های مستعد موجب افزایش جرم می شود پنجره‌های شکسته یک ساختمان نشانه نبود کنترل فردی و جمعی در آنجا است و نبود کنترل‌های اجتماعی به مثابه چراغ سبز برای مجرمینی است که منتظرند تا فرصت را غنیمت شمرده و در این مکان‌ها مرتکب جرم شوند. ساختمانهای صنعتی و تجاری بدون سکنه، در و پنجره‌های شکسته و دیوارهای مخروبه، محوطه‌های عمومی و کثیف و پر از آشغال در برخی مناطق شهر احتمال وقوع جرم را در این مکان‌ها افزایش می دهد، این نشان می دهد برخی محیط‌های خاص برای مجرمین بالقوه مناسب ارتکاب جرم است.

۴- بین شیوه زندگی دینی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد. مجرمین در ابعاد چهارگانه سنجش دینداری در بعد اعتقادی از اعتقاد بالایی برخوردار بوده‌اند اما در بعد پیامدی، عاطفی و مناسکی از رتبه کمتری برخوردار بودند. راهکار دین کنترل اجتماعی است و پایبندی به ارزش‌های دینی به عنوان یک قدرت بازدارنده در روی آوردن افراد به انحراف اجتماعی کارکرد مثبت دارد این امر نشان می دهد که افراد مجرم درون زندان کمتر از معیاهای هنجارین دین تاثیر پذیرفته اند. در مطالعات جامعه شناختی و جرم شناسی تقیدات مذهبی و اخلاق دینی یکی از عوامل مهم در پیشگیری از کجروی و انحرافات اجتماعی فرض شده است. در اندیشه دینی ما تاکید شده است که فرائضی مثل نماز و روزه انسان را از منکرات و کجروی فردی و اجتماعی حفظ می کند، با توجه به مبنای تئوریک پژوهش شیوه زندگی دینی مجرمان نقش کنترلی کمتری برای منع افراد از ارتکاب به جرم داشته است.

۵ - بین شیوه زندگی تفریحی (اوقات فراغت) و بروز رفتار مجرمانه رابطه معنی داری وجود دارد. سبک و سلیقه تفریحی که مجرمین در نحوه گذراندن اوقات فراغت خویش انتخاب می نمایند در ارتکاب آنها به عمل مجرمانه مؤثر است. شیوه زندگی تفریحی طبق نظر بوردیو

در طبقات مختلف فرق می‌کند و به وسیله موقعیت اجتماعی که افراد دارند تعیین می‌شود بنابراین فعلیت اوقات فراقت را نمی‌توان تنها بر اساس شاخصهای یاد شده شرح داد بلکه تقسیم اجتماعی به هم وابسته ای وجود دارد که انگاره زندگی اجتماعی را شکل می‌دهد و بر تصور مجرمان از نحوه گذران اوقات فراقت تاثیر می‌گذارد.

۶- بین شیوه زندگی روانی دو گروه مجرم و عادی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. به نوعی این دو گروه به لحاظ شیوه زندگی روانی دارای حوادث و گرفتاریهای تقریباً یکسان می‌باشند.

۷- بین شیوه زندگی معاشرتی دو گروه مجرم و عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. افراد گروه مجرم با گروه‌ها و دسته‌هایی که خرده فرهنگ بزهکاری در بین آنها رواج دارد دارای سابقه دوستی و معاشرت بیشتری می‌باشند و از طریق این معاشرت الگوهای جرمی را تقلید می‌نمایند.

۸- بین شیوه زندگی مسکونی دو گروه مجرم و عادی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. با ثابت نگه داشتن متغیرهای محل سکونت، سن و جنس صد نفر از افراد غیرمجرم با صد نفر از افراد مجرم در پنج طبقه جرمی از لحاظ سبک زندگی مسکونی مورد مقایسه قرار گرفتند، نتایج نشان می‌دهد بین شیوه زندگی دو گروه اختلاف معنی‌دار وجود ندارد.

۹- بین شیوه زندگی تفریحی دو گروه مجرم و عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. افراد گروه مجرم با میانگین ۲/۳۸ دارای سبک تفریحی جرم‌زاتری نسبت به افراد عادی با میانگین ۲/۱۶ می‌باشند. افراد عادی (غیرمجرم) از بین سلیقه‌های متفاوت گذران اوقات فراقت به موسیقی، گردش با خانواده، شرکت در کلاس‌های هنری، بازی‌های کامپیوتری، برنامه‌های علمی، مطالعات مفید، اهمیت بیشتری نسبت به سایر سلیقه‌های جرم‌زا می‌دهند.

۱۰- بین شیوه زندگی دینی دو گروه مجرم و عادی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. افراد عادی در ابعاد چهارگانه (اعتقادی، مناسکی، پیامدی و عاطفی) دارای میانگین ۲/۱۹ در طیف دینداری می‌باشند و افراد مجرم دارای میانگین ۲/۲۰ در چهار بعد سنجش دینی هستند. طبق این طیف دینداری افراد هر چه به یک نزدیک‌تر باشند در چهار بعد دینداری قوی‌تر می‌باشند

و هر چه به پنج نزدیک تر باشند در این چهار بعد ضعیف هستند. شیوه زندگی دینی در بین افراد مجرم با نوع جرم همبستگی دارد، اما در مقایسه با افراد عادی تفاوتی ندارد. در جمع بندی کلی، بین شیوه زندگی مذهبی افراد، معاشرت با دوستان ناباب، تفریحات جرم زا، وضعیت محله های مسکونی و شیوه زندگی روانی افراد با انواع رفتارهای مجرمانه در زندان تبریز رابطه وجود دارد این عوامل در مجموع می توانند تبیین کننده انواع جرمها در بین افراد باشند اما طبق آزمون های انجام شده بین دو گروه مجرم و عادی و مقایسه آنها دو شیوه معاشرتی (ناباب) و تفریحی، نسبت به سایر شیوه ها عامل در ارتکاب فرد به جرم در این پژوهش است و نتایج آن بین افراد عادی و مجرم متفاوت است.

منابع

- ۱- آبر کرامبی، نیکلاس و دیگران (۱۳۷۰)، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسن پریان، تهران: انتشارات چاپخش.
- ۲- احمدی، حبیب (۱۳۷۷)، نظریه های انحرافات اجتماعی، شیراز: انتشارات رز.
- ۳- چاوشیان، حسن (۱۳۸۱)، سبک زندگی، هویت اجتماعی مصرف و انتخاب های ذوقی با عنوان شالوده تشابه و تفاوت های اجتماعی در دوران مدرنیته اخیر، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- ۴- دانش، تاج زمان (۱۳۶۸)، مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، تهران: انتشارات کیهان.
- ۵- دواس، دی.ای. (۱۳۷۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- ۶- رشیدی، علی (۱۳۸۷) بررسی توزیع انواع اختلالات شخصیتی در زندانیان مرتبط با مواد مخدر در زندان مرکزی کرمانشاه، پایان نامه (دکترای حرفه ای) دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، دانشکده پزشکی.
- ۷- ریترز، جورج (۱۳۷۴)، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۸- ستوده، هدایت الله (۱۳۷۲)، مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۹- سراج زاده، سید حسین (۱۳۷۸)، نگرش ها و رفتارهای نوجوانان تهرانی، نمایه پژوهش سال سوم، شماره ۷۸.

- ۱۰- سلیمی علی، داوری محمد (۱۳۸۰)، جامعه شناسی کجروی، قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۱۱- شریفی قادری، محمدتقی (۱۳۷۴) شناخت وضعیت و مشخصات مجرمین محبوس در زندانهای شهر تهران و تبیین عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم آنان، دانشگاه تهران.
- ۱۲- شکوهی، حسن (۱۳۶۹)، جغرافیای شهری، تهران: سمت.
- ۱۳- طهماسبی، مهدی (۱۳۸۱)، چگونگی انتقال مفاهیم دینی به جوانان: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- ۱۴- عبدالمهی حقی، مریم (۱۳۸۳) پیشگیری جرم از طریق برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری (مورد مطالعه: سرقت در شهر زنجان)، پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) دانشگاه زنجان، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا.
- ۱۵- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، تهران: صبح صادق.
- ۱۶- فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۴)، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی، تهران: انتشارات کیهان.
- ۱۷- فکوهی، ناصر (۱۳۸۲) تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
- ۱۸- کرباسی، منیژه و کیلیان، منوچهر (۱۳۸۹) مسایل نوجوانان و جوانان در ایران معاصر، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۱۹- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی جنایی: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۰- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۳)، مبانی جرم‌شناسی: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۱- گلدوزیان، ایرج (۱۳۶۹)، حقوق جزای عمومی ایران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۲- مشکانی، محمدرضا_مشکانی، زهرا سادات (۱۳۸۱)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲.
- ۲۳- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- ۲۴- هیوود، لس _ کیو، فرانسیس _ براهام، پیتر_ اسپینک، جان_ کاپنهارست، جان_ هنری، یان (۱۳۸۴) اوقات فراقت، ترجمه محمد احسانی، تهران: بامداد کتاب.
- 25-Bourdieu , pierre (1984)"distinction" a social critique of the judgement of taste , london: routledge.
- 26-Hagan , John (1994) crime and Disrepute , U.S.A: pine forge press.
- 27-Lenehan BA, cary John (1994)"post modern medieudism Asociological Study of the Society for creative Anachronism" University of Tasmania.
- 28-Walters. Glenn D. (1996)" the criminal life style" Patterns of serious criminal conduct: Sage Publications.